

## پژوهشی درباره کتاب «جامعه»

محسن حسین زاده باجگیران  
دانشکده الهیات دانشگاه فردوسی مشهد

### چکیده

بسیاری از حدیث‌پژوهان، نخستین کتابی را که در سیر تاریخی حدیث شیعه به نگارش درآمده، کتاب «جامعه» می‌دانند. جامعه، نام مهمترین کتابی است که علی(ع) آن را به خط مبارک خویش قلمی کرده است. با توجه به اهمیت این کتاب در نحوه اسناد احادیث شیعه، نگارنده در این نوشتار به اثبات وجود آن و بررسی محتوا و ویژگیهای آن پرداخته و سخن اصلی وی این است که نامهای مختلف ذکر شده در متون نشان دهنده کتابهایی مختلف نیست، بلکه این عناوین تنها نامهایی است برای دو کتاب جفر و جامعه.

### کلید واژه‌ها: جامعه، جفر، صحیفه علی(ع)، مصحف

فاطمه(س)، اسناد جامعه و راویان آن، فقه شیعه، ارسال. جامعه نام مهمترین کتابی است که علی(ع) به خط مبارک خود آن را قلمی کرد. (صفار، ۱۵۱). به دلیل اهمیت این کتاب در اسناد شیعه به نبی اکرم(ص) (شارع) نگارنده برای آشنایی با نحوه نگارش، محتوا و میزان شهرت آن در میان یاران امامان(ع) به پژوهش پرداخت که نتیجه این پژوهش به پیشگاه صاحبان علم و معرفت تقدیم می‌گردد.

در متون مذهبی و احادیث کتابهایی بانامهای: کتاب علی (عاملی، ۵۲۲/۱۷)، صحیفه علی (صفار، ۱۴۵)، جامعه (کلینی، ۲۳۹/۱)، جفر (همان، ۲۴۱)، جفر ابیض (کلینی، ۱/۲۴۱) و شیخ مفید، ۲۵۷)، جفر احمر (کلینی، ۲۴۱/۱)، عبیطه (صفار، ۱۴۱)، جفر جامع، صحیفه الفرائض (طوسی، تهذیب الاحکام، ۲۷۳/۹) و صحیفه العتق به علی (ع) منسوب است. اما آیا این نامهای مختلف، حکایت از کتابهای مختلف و گوناگون نیز دارد؟

با تأمل در روایات بسیاری که این نامها در ضمن آنها بدست ما رسیده، به این نتیجه می‌رسیم که علی (ع) سه کتاب با خط مبارک خود نگاشته اند: جفر، جامعه و مصحف فاطمه (س)، املاکننده جفر و جامعه پیامبر اکرم (ص) و املاکننده مصحف فاطمه (س) چنانکه از مفاد برخی روایات معلوم می‌شود حضرت زهرا (س) بوده‌اند. (کلینی، ۲۸۹/۱). در مورد دیگر کتابهایی که به علی (ع) نسبت داده‌اند، باید یکی از دو احتمال زیر را بپذیریم:

الف- به اعتبارهای گوناگون، به يك کتاب نامهای مختلف داده‌اند.

ب- برخی از نامها، نامی بری يك کتاب مستقل نیست، بلکه نامی برای بخشی از يك کتاب است.

چگونگی و چرایی این نتیجه‌گیری چنین است:

الف: کتاب علی (صفار، ۱۴۷)، صحیفه علی (صفار، ۱۴۸ و کلینی، ۵۹/۱)، جفر و جامع (کلینی، ۲۴۱/۱؛ فیض کاشانی، الوافی، ۱۳۵/۲) جامعه نامهای مختلف يك کتاب می‌باشند و دلیل آن، ویژگیهای یکسانی است که درباره آنها ذکر شده است. سه ویژگی مهم این کتابها که با نامهای بالا آمده، بدین قرار است:

۱) املاي آنها از رسول خدا (ص) و خط آن از علی (ع) است.

۲) محتوای همه آنها احکام است و حتی عبارت «ارش الخدش» (دیه خراش)

در آنها تکرار شده است.

ب: جفر ابیض (عسکری، ۳۲۷/۲) و جفر (صفار، ۱۶۱) نیز دو نام برای يك

کتاب هستند؛ آن هم به دلیل دو ویژگی یکسانی است که در روایات ذکر شده است. این ویژگیها عبارتند از:

۱) محتوای آن ذکر حوادثی است که در آینده رخ خواهد داد  
 ۲) املائی آنها از رسول خدا(ص) و نگارش آن توسط علی(ع) انجام گرفته است.

البته در برخی روایات از جفر با عنوان کتاب علی نیز یاد شده(کلینی، ۱/ ۱۶۸ و ۱۶۹) که با توجه به ویژگیهای ذکر شده مشخص می‌شود که در روایت، جفر مورد نظر است یا جامعه.

ج: جفر احمر (همان، ۲۴۰) این نام در مقابل جفر ابیض است ولی نام کتاب نیست؛ بلکه انبانی چرمی بوده که سلاح رسول خدا(ص) را در آن می‌گذاشتند. البته جفر ابیض نیز پوست دباغی شده‌ای است که احکام الهی بر آن نگاشته شده بود.  
 د: عبیطه. جزئی از جفر یا مصحف فاطمه (س) است؛ زیرا برخی از حوادث آینده را در بردارد. همچنین در ضمن روایت تصریح شده که عبیطه کتاب مستقلی نیست؛ بلکه بخشی است از مجموعه‌ای صُحُف و کتابها.

ه: صحیفة الفرائض، (طوسی، تذهیب الاحکام، ۳۲۴/۹ و عاملی، ۵۰۴/۱۷) و صحیفة العتق (بخاری، ۱۱۸/۱). این دو عنوان تنها نامهایی برای بخش‌هایی از جامعه است. یعنی جامعه کتابی است با بخشهای متعدد که در میان مردم با توجه به محتوای آن بخشها با نامهای مختلف یاد می‌شده است. برای مثال بخشی که در بردارنده مبحث سهام ارث بوده نام صحیفة الفرائض به خود گرفته است؛ زیرا اولاً نگارش آن توسط علی(ع) انجام گرفته است، ثانیاً درباره احکام است، ثالثاً در برخی روایات تصریح شده است که این کتابها دارای بخشهای مختلف است. از جمله امام باقر(ع) می‌فرماید: من صحیفة‌ای دارم که خود نوزده صحیفة را در بر دارد و همه آن از رسول خدا(ص) به ما رسیده است. (صفار، ۱۴۴).

بنابراین با توجه به آنچه گذشت نتیجه می‌گیریم نه تنها منظور از نامهای مختلفی که در منابع متعدد روایی آمده است صحیفة‌ای مستقل نیست، بلکه آن نامها به بخشهای مختلف کتاب جامعه اشاره دارد(بخاری، ۱۱۸/۱ و ۸۸۷/۲ و ۵۴/۳ و ابن حنبل، ۱۵۱/۱ و ۳۵/۲ و ۱۲۱ و شافعی، ۲۲۱) و هیچگونه ارتباطی با متن

عهدنامه‌ای که رسول خدا (ص) هنگام هجرت از مکه به مدینه، میان مهاجران و انصار و یهودیان ساکن مدینه نوشت، ندارد. (ابن هشام، ۱۵۰/۲-۱۴۷).

۱- دیه، خونبهای آزادی اسیر و نکشتن مسلمان در برابر کافر، هرسه از اجزای احکام هستند و طبیعی است در کتاب جامعه که در بردارنده همه احکام است، وجود داشته باشد.

۲- در روایتی که از صحیفه الفرائض و صحیفه العتق یاد می‌کند، مطالب دیگری چون صدقه و نصاب زکات و... وجود دارد که در عهدنامه از آنها ذکری به میان نیامده است؛ در نتیجه می‌توان گفت کتاب جامعه با نامهایی مختلف نه تنها در میان شیعیان شناخته شده بود، بلکه حدیث پژوهانی از اهل سنت چون بخاری (۲/۸۸۷)، ابن ماجه (همان، ۳۵) و احمد بن حنبل (۲/۳۵) نیز به وجود چنین کتابی تصریح کرده‌اند. حتی برخی از فقیهان اهل سنت چون اوزاعی، مالک بن انس، شافعی، ابن راهویه (کسی که احمد بن حنبل او را امیرالمؤمنین در حدیث می‌داند)، بر اساس محتوای این کتاب فتوا و حکم داده‌اند. (غفاری، ۲۲۸). ابوحنیفه که از امامان چهارگانه اهل سنت است و پیروان زیادی نیز دارد، با جامعه و دیگر کتابهایی که نزد امامان شیعه بوده آشنایی داشته و محتوای آن را تأیید می‌کرده است.

روزی یکی از یاران امام صادق (ع) خدمت حضرتش رسید و گفت: ابوحنیفه می‌گوید شما کتابهای مختلفی دارید که بر اساس آن فتوا می‌دهید. امام صادق (ع) در جواب فرمود: راست می‌گوید، چنین است. (شیخ صدوق، علل الشرائع، ۸۹/۱).

#### آیا کسی جامعه را دیده است؟

آنچه تاکنون گذشت بیانگر شهرت جامعه در نزد همه بود؛ اما امتیاز مهم جامعه نسبت به دیگر کتابهای منسوب به علی (ع) این است که افراد مختلفی آن را دیده‌اند. هر چند در مورد کتاب جعفر در روایت آمده است که جز نبی و وصی کسی نمی‌تواند در آن بنگرد (فیض کاشانی، الوافی؟ ۸۶/۲) اما در مورد جامعه به عقیده عبدالحلیم جندی، حتی منصور خلیفه عباسی موفق به دیدن آن گردیده است.

در اینجا به ذکر شماری از روایان می‌پردازیم که موفق به دیدن این کتاب شده‌اند:

۱- ابو بصیر مرادی؛ او می‌گوید: امام باقر(ع) صحیفه‌ای به من نشان داد که به املائی پیامبر اکرم(ص) و خط علی(ع) بود و در آن همه احکام حلال و حرام وجود داشت. (صفار، ۱۴۴ و کلینی، ۱۱۹/۷ و طوسی، تهذیب الاحکام، ۳۲۴/۹).

۲- عبدالملک بن اعین؛ او می‌گوید: امام باقر(ع) کتاب علی(ع) را خواست و ... (صفار، ۱۶۲ و عاملی، ۵۲۲/۱۷).

۳- محمد بن مسلم؛ او می‌گوید: امام باقر(ع) کتابی را که به املائی پیامبر(ص) و خط علی(ع) بود، به من نشان داد و... (کلینی، ۲۱۹/۶ و ۲۲۰ و طوسی، تهذیب الاحکام، ۲/۹ و عاملی، ۳۲۲/۱۶).

۴- زراره بن اعین؛ امام باقر(ع) کتاب جامعه را که به خط علی(ع) و املائی رسول خدا(ص) و درباره احکام بود به من داد تا بخوانم. (کلینی، ۹۴/۷-۹۵ و طوسی، تهذیب الاحکام، ۲۷۱/۹ و همو، الاستبصار، ۳۸۷/۱).

۵- معتب؛ امام صادق(ع) صحیفه‌ای قدیمی از نوشته‌های علی(ع) را درآورد و من دیدم... (صفار، ۱۴۵).

۶- ابن بکیر؛ زراره از امام صادق(ع) سؤال کرد و او کتابی به خط علی(ع) آورد درباره احکام... (کلینی، ۳۹۷/۳).

۷ و ۸- عذافر صیرفی، حکم بن عتیبه؛ امام باقر(ع) به فرزندش فرمود: برخی آن کتاب را بیاور و فرمود: این خط علی(ع) و املائی رسول خداست. (طوسی، تهذیب الاحکام، ۱۹۲/۱)

۹- وهب بن عبدالله سوائی؛ (غفاری، ۲۲۹).

۱۰- حارث بن سوید تمیمی؛ (همانجا).

۱۱- ابن عباس؛ (همانجا)

نامبردگان فوق هم جامعه را دیده‌اند و هم از راویان آن هستند. راویان دیگری نیز هر چند جامعه را ندیده‌اند، اما وجود آن را روایت کرده‌اند. آنان عبارتند از:

(۱) مالک بن حارث (۲) برید بن معاویه ( طلحه بن زید (۴) سلیمان بن خالد (۵) عبدالرحمان بن حجاج (۶) غیاث بن ابراهیم (۷) ابو خالد کاملی (۸) حنان بن سدید (۹) عبدالرحمن بن حجاج (۱۰) سوره بن کلیب (۱۱) قاسم بن سلیمان (۱۲) خراز (۱۳) حمران بن اعین (۱۴) علی بن حنظله (۱۵) جابر بن یزید (۱۶) فضیل بن یسار (۱۷) علی بن ابی حمزه (۱۸) عبدالله بن ایوب (۱۹) عبدالله بن میمون (۲۰) عبدالله بن سنان (۲۱) منصور بن حازم (۲۲) عبدالله بن ابی یعفر (۲۳) محمد بن حکیم (۲۴) ابن شبرمه (۲۵) محمد بن عبدالملک (۲۶) عبدالخالق بن عبدربه (۲۷) عنیه بن مصعب (۲۸) حسین بن ابی العلاء (۲۹) عمر بن ابان (۳۰) عبدالخالق بن عبدربه (۳۱) علی بن یقطین (۳۲) مفضل بن عمر (۳۳) منصور عباسی (۳۴) محمد بن مروان (۳۵) علی بن رئاب (۳۶) عثمان بن زیاد (۳۷) عیص بن عاصم (۳۸) ولید بن صبیح (۳۹) عبدالرحمن بن سبابه (۴۰) عنبسه العابد (۴۱) علی بن سعید. ( معارف، صص ۴۳ تا ۴۵).

#### محتوای جامعه

همانگونه که بیان شد، محتوای کتاب جامعه احکام است؛ یعنی هر آنچه از حلال و حرام که مورد نیاز مسلمانان است، در آن وجود دارد. هر چند ممکن است آنچه از ناحیه امامان (ع) درباره حلال و حرام به ما رسیده از کتاب علی (ع) باشد؛ ولی در اینجا به شماری از احکام که وجود آنها بر اساس روایات در کتاب علی (ع) مشخص گردیده، اشاره می‌کنیم:

- ثبوت ماه با دیدن هلال. (طوسی، الاستبصار، ۶۴/۳ - عاملی، ۱۸۴/۷).
- وقت فضیلت نماز ظهر. (طوسی، الاستبصار، همو، التهذیب، ۲۳/۲).
- نماز آدینه گزاردن با مخالفان. (عاملی، ۴۴/۵، طوسی، التهذیب، ۲۸/۳).
- نیم خورده گربه. (کلینی، ۹/۳ - طوسی، التهذیب، ۲۲۷/۱).
- مجرمی که بمیرد. (کلینی، ۳۶۸/۴ - عاملی، ۶۹۶/۲ - ۶۹۷).
- پوشیدن طیلسان. (کلینی، ۳۰۴/۴ - ابن بابویه، علل الشرایع، ۹۴/۲).

- كفاره شكستن تخم پرندگان در حال احرام. (كلىنى، ۳۹۰/۴ - طوسى، الاستبصار، ۲۰۲/۲ و ۲۰۳ - همو، التهذيب، ۳۰۵/۵ و ۳۵۷).
- افزودن به دورهاى طواف. (طوسى، الاستبصار، ۲۴۸/۲ - ابن ادریس، ۴۴۶ عاملی، ۴۳۸/۹).
- عمره مفرده. (كلىنى، ۵۳۴/۹ - عاملی، ۲۴۴/۱۰).
- شمار گناهان كبیره. (كلىنى، ۲۷۸/۲ و ۲۷۹ - ابن بابویه، الخصال، ۱/۲۷۳ - همو، علل الشرايع، ۱۶۰/۲).
- خوردن مال یتیم. (ابن بابویه، عقاب الاعمال، ۲۷۸ - عاملی، ۱۸۲/۱۲).
- سهم ارث برادران ادری. (ابن بابویه، من لا یحفره الفقیه، ۲۰۶/۴، طوسى، التهذيب، ۳۰۸/۹ - همو، الاستبصار، ۱۶۰/۴).
- سوگند و گواه. (كلىنى، ۴۱۴/۷ - طوسى، التهذيب، ۲۲۸/۶).
- چگونگی حد زدن. (كلىنى، ۱۸۶/۷ - طوسى، التهذيب، ۱۴۶/۱۰).
- حد لواط. (كلىنى، ۲۰۰/۷ - طوسى، التهذيب، ۱۵۵/۱۰ - همو، الاستبصار، ۲۲۱/۴).
- چگونگی ثبوت حد باده‌گسارى. (طوسى، التهذيب، ۹۰/۱۰ - كلىنى، ۷/۲۱۴).
- حد باده‌گسارى. (همانجا).
- ديه سگ شكارى. (ابن بابویه، الخصال، ۱۱۱/۲ - عاملی، ۲۱۴/۷).
- سهم ارث كسانى كه در طبقات اصلى ارث قرار نمى گیرند. (عاملی، ۱۷/۴۱۸ - طوسى، التهذيب، ۲۶۹/۹ - كلىنى، ۷۷/۷).
- كراهت گوشت الاغ. (طوسى، التهذيب، ۴۰/۹ - همو، الاستبصار، ۷۴/۴ - كلىنى، ۲۴۶/۶).
- حرام بودن خوردن گونه‌هاى مختلف ماهی. (طوسى، التهذيب، ۲/۹ و ۴/۵ - كلىنى، ۲۲۰/۶ - طوسى، الاستبصار، ۵۹/۴).
- سهم ارث عموها دایى‌ها كه همه با هم باشند. (عاملی، ۱۷/۵۰۵ - طوسى، التهذيب، ۳۲۴/۹ و ۳۲۵).

- طلاق در عده بی رجوع. (طوسی، التهذیب، ۸/۸۱- همو، الاستبصار، ۳/۲۸۳).
- سهم میراث آن که غرق شده است. (ابن بابویه، من لا یحفره الفقیه، ۴/۲۲۵- کلینی، ۷/۱۳۶).
- مقدار یک جزء از ماترک. (ابن بابویه، من لا یحفره الفقیه، ۴/۱۵۱- همو، معانی الاخبار، ۲۱۷- طوسی، التهذیب، ۹/۲۱۱).
- تدلیس عیب زن به هنگام ازدواج. (طوسی، التهذیب، ۷/۴۳۲).
- سوگند دروغ. (ابن بابویه، الخصال، ۱۲۴- همو، عقاب الاعمال، ۲۷۱ و ۲۷۰- کلینی، ۷/۴۳۶).
- کسی که در حال احرام صید کرده. (کلینی، ۴/۳۹۰).
- بریدن زبان لال. (کلینی، ۷/۳۱۸- ابن بابویه، من لا یحضره الفقیه، ۴/۱۱۱- طوسی، التهذیب، ۱۰/۲۷۰).
- زمینی که آباد شده. (کلینی، ۵/۲۷۹- طوسی، التهذیب، ۷/۱۵۳).
- دیه دندانها. (ابن بابویه، من لا یحفره الفقیه، ۴/۱۰۴- کلینی، ۷/۳۲۹- طوسی، التهذیب، ۱۰/۲۵۴).
- نماز خواندن با لباس پشمین از پوست حیوانی که خوردن آن حرام است. (کلینی، ۳/۳۹۷- طوسی، التهذیب، ۲/۲۰۹- همو الاستبصار، ۱/۳۸۳).
- میزان ارث مردی که همسرش بمیرد. (کلینی، ۷/۹۳- ابن بابویه، من لا یحفره الفقیه، ۴/۱۹۲- طوسی، التهذیب، ۹/۲۷۰).

#### ویژگیهای جامعه

- الف- املاء: املائی این کتاب به گواهی روایات از آن پیامبر گرامی اسلام (ص) است؛ حتی در برخی روایات عبارت «از میان دو لب مبارکش» دیده می‌شود.
- ب- خط: نگارش این کتاب نیز به گواهی احادیث به دست مبارک امیرمؤمنان علی (ع) انجام گرفته است. (کلینی، ۷/۹۴ و ۹۵- طوسی، التهذیب، ۹/۲۷۱)



ج- محتوا: نزدیک به همه کتاب درباره احکام یعنی حلال و حرام است؛ به جز بخشهای کوتاهی که دربرگیرنده سخنان اخلاقی است. (ابن بابویه، الخصال، ۱۲۴- همو، عقاب الاعمال، ۲۶). ذهبی بر این عقیده است که جفر، جامعه، کتاب علی (ع) و مصحف فاطمه (س) منابع تفسیری شیعیان است. (ذهبی، ۱۷/۲) بدون تردید بنابر آنچه درباره محتوای جامعه و جفر بیان شد، بدون تردید این کتابها نمی‌توانند منابع تفسیری مفسران شیعه باشند، زیرا الف: این کتابها در دسترس مفسران نبوده و نیست. ب: محتوای این کتابها نمی‌تواند روشنگر آیات قرآن باشد. ج: مصحف فاطمه (س) به تصریح روایات دربردارنده تفسیر آیات قرآن نیست و نام مصحف هیچگونه نسبتی با قرآن ندارد (صفار، ۱۵۷ و ۱۵۸) و تنها يك نام‌گذاری است. همچنین پیشگویی حوادث آینده، محتوای مصحف فاطمه (س) را تشکیل می‌دهد. ذهبی محتوای کتابهای یاد شده را اوهام و خرافات می‌داند. (ذهبی، ۱۶/۲). این ادعا سخنی از سر انصاف و داد نیست؛ زیرا احادیث شیعه و سنی بر محتوای والای این کتابها به ویژه جامعه و جفر تصریح دارند که در بخش اسناد جامعه درباره اعتبار محتوای آن سخن خواهیم گفت.

د- نوشت افزار: در احادیث گوناگون از پوست دباغی شده گاوی به در ازای هفتاد ذراع و پهنای يك پوست گاو سخن به میان آمده است (صفار، ۱۴۵ و ۱۴۷- کلینی، ۵۹/۱) که علی (ع) بر روی این پوست احکام را می‌نوشت و هنگامی که آن را جمع می‌کردند، مانند ران يك شتر فربه به نظر می‌رسیده است. (کلینی، ۱/ ۲۴۱- فیض کاشانی، الوافی، ۱۳۵/۲). در برخی روایات اندازه این ذراع به اندازه ذراع رسول خدا (ص) نقل شده است. (کلینی، ۲۳۸/۱- فیض کاشانی، علم‌الیقین، ۱/ ۵۲۸) تردیدی وجود ندارد گاوی که درازای پوست آن به هفتاد ذراع برسد وجود نداشته و ندارد؛ پس باید پوستهایی که نگارش بر آن انجام گرفته چند عدد باشد که اگر این پوستها را در پی یکدیگر می‌نهادند، درازای آن به هفتاد ذراع می‌رسیده است. این سخن با گفتار راویانی که بخشهایی از جامعه را دیده اند سازگار است. (کلینی، ۹۴/۷ و ۹۵- طوسی، التهذیب، ۲۷۱/۷). همچنین از دیگر سو با روایاتی که کتابها را متعدد یاد کرده‌اند، همخوانی دارد. (صفار، ۱۴۱ و ۱۴۴ و ۱۵۹).

ه- چگونگی نگاهداری: آنچه از مجموعه روایتهایی که در آن از جامعه و جفر یاد شده بدست می‌آید، این است که جفر، جامعه و سلاح پیامبر (ص) در انبائیهایی از چرم قرار داشته‌اند (صفار، ۱۵۱ و ۱۵۵ و ۱۵۶ و ۱۶۰- کلینی، ۱/۲۴۰- مفید، ۲۵۷) و در میان امامان (ع) به ارث دست به دست می‌گشته است. همچنین اگر کتابها و سلاح پیامبر (ص) با عنوان جفر یاد می‌شده نیز چیزی جز این نبوده است؛ یعنی به اعتبار ظرف که انبانی چرمی بوده، مظروف نیز جفر نام گرفته؛ زیرا جفر در لغت به معنای چرم است. (ابن منظور، ۴/۱۴۳).

مهمترین ویژگی کتاب جامعه اسناد آن است که به جهت اهمیت نحوه اسناد آن در فقه شیعه، ذیل عنوان اهمیت کتاب جامعه در فقه شیعه، از آن سخن به میان خواهد آمد.

#### اهمیت جامعه در فقه شیعه

بررسی روایتهای رسیده از ناحیه امامان عصمت و طهارت، اسناد روایات<sup>۱</sup> را به شکلهای زیر آشکار می‌کند:

امام (ع) از طریق پدرانشان حکم را به پیامبر گرامی (ص) نسبت می‌دهند. (بهبودی، ۴/۲۲۸).

۱- امام (ع) بدون اسناد حدیث به پیامبر گرامی (ص)، حکم را بیان می‌کنند. (همان).

۲- امام (ع) به استناد کتاب جامعه به بیان حکم می‌پردازد. (کلینی، ۷/۴۰).

۱- آیت الله بروجردی (ره) در مقدمه جامع/حدیث شیعه پاره ای از اسناد و مدارک این کتاب را نشان داده‌اند و پس از ذکر برخی از اسناد و مدارک کتاب جامعه به عنوان نتیجه‌گیری می‌نویسد: رسول خدا (ص) امت خود را بلا تکلیف رها نساخت، بلکه امامانی هدایتگر برای آنان معین فرمود و مجموعه‌ای به یادگار گذاشت که همه احکام و سنن حق دیه خراش را برای آنان روشن ساخته بود. ایشان این علم را به علی (ع) املا نمود و غیر از او احدی را با خبر نساخت و به او وصیت فرمود: این علم را با اوصیای پس از خود تحویل دهد. پس از علی (ع) این کتاب در اختیار امامان (ع) قرار گرفت و آنان آن را به جماعتی از اصحاب خود و تعدادی از بزرگان اهل سنت نشان دادند تا مایه اطمینان آنان شده و برایشان اتمام حجت صورت پذیرد. این کتاب نزد خاصه و عامه به شهرت رسید و معروفیت یافت. زیرا آنان در جواب بسیاری از استفتائات اهل سنت مانند غیاث بن ابراهیم، طلحه بن زید سکونی، سفیان بن عیینه، یحیی بن سعید و مانند آنها می‌گفتند که در کتاب علی (ع) چنین آمده است. رک: جامع/حدیث شیعه ج ۱ ص ۷ به نقل از پژوهشی در تاریخ حدیث شیعه، مجید معارف، ص ۴۲.

- ۳- امام(ع) به نقل از پدر خویش حکم را بیان می‌کند. (مهبودی، ۳۷۴/۴).
- ۴- امام(ع) با توجه به آیات قرآن به بیان حکم می‌پردازد. (همان، ۲۳۷).
- ۵- امام(ع) با توجه به حدیث شناخته شده از رسول اکرم (ص) به تبیین احکام می‌پردازد. (همان، ۲۹۷).
- بیان حکم توسط امام(ع) به شکل شماره ۵ و ۱، مشکلی را در بر ندارد؛ یعنی باعث ارسال روایت نمی‌گردد. اما بیان حکم به شکل شماره ۳ و ۴ چگونه می‌تواند خود را از ضعف ارسال رهایی بخشد؟ این پرسشی است که در ادامه به پاسخ آن می‌پردازیم.
- پیامبر اکرم (ص) در زمان حیات پربرکتش به تبیین حلال و حرام خداوند در مناسبت‌های مختلف می‌پرداخت و بیان دیگر احکام به زمان بیشتری از دوره بیست و سه ساله تبلیغ پیامبر اکرم (ص) نیاز داشت. به همین دلیل نبی مکرم(ص) بر آن شد تا به تدوین کتابی بپردازد تا دربردارنده همه احکام مورد نیاز انسان باشد. برای سامان بخشیدن به چنین کتابی املائی آن را نبی اکرم(ص) و نگارش آن را علی(ع) عهده دار شدند. (کلینی، ۲۳۹/۱ و صفار، ۱۵۶) نگارش این کتاب از همان آغازین روزهای آشکار شدن تبلیغ پیامبر(ص) شروع شد. پیامبر اکرم(ص) از علی(ع) می‌خواهد که آنچه را ایشان می‌گویند، او بنویسد تا در آینده، امام حسن(ع) و امام حسین(ع) و همچنین فرزندان امام حسین(ع) که امامان بعدی هستند، آن را در اختیار داشته باشند و بر اساس آن احکام را بیان کنند. (طوسی، امالی، ۵۶/۲). روایتهای مختلفی، بیانگر چگونگی رسیدن این کتابها به امامان(ع) یکی پس از دیگری است؛ چنانکه بنا بر روایتی، علی(ع) کتابها را به امام حسن(ع) می‌سپارد و از وی می‌خواهد که پس از خود آن را به امام حسین(ع) بسپارد و از امام حسین(ع) نیز می‌خواهد تا آنها را پس از خویش به فرزندش علی بن حسین(ع) برساند. (فیض کاشانی، الوافی، ۸۲/۲). امام سجاد(ع) هنگامی که لحظات پایانی زندگی خویش را می‌گذراند، کتابها را به فرزندشان امام باقر(ع) سپرد، (کلینی، ۳۰۵/۱ و مجلسی، ۲۲۹/۴۶) و امام صادق(ع) نیز به همین شکل کتابها را از امام باقر(ع) گرفت. (کلینی، ۳۰۵/۱ و ۴۸/۳) و فیض کاشانی، الوافی، ۸۴/۲). روایت نحوه انتقال کتابها به امام موسی کاظم(ع) در

غیبت نعمانی و بحارالانوار و بصائرالدرجات وجود دارد. (نعمانی، ۱۷۷ و مجلسی، ۴/۲۲ و صفار، ۱۶۴). پس از امام کاظم (ع) امام رضا (ع) کتابها را در اختیار می‌گیرد (کلینی، ۳۱۱/۱ و ۳۱۲ و شیخ مفید، ۲۸۵ و ۲۸۶) و بهمین ترتیب به دیگر امامان (ع) می‌رسد و اکنون نیز نزد امام زمان حجه بن الحسن (ع) است؛ (مجلسی، ۱۸/۲۶) و آنگاه که حضرتش ظهور کند بر اساس کتاب جامعه حلال و حرام را بیان می‌فرماید. البته امامان (ع) گاهی از محتوای جفر نیز پرده برمی‌داشتند و مردم را آگاه می‌کردند که به اختصار به نمونه‌ای از آن اشاره می‌شود:

آن گاه که مأمون عباسی تصمیم گرفت امام رضا (ع) را به ولایتعهدی برگزیند، خطاب به ایشان نامه مفصلی نوشت. امام رضا (ع) در پاسخ مأمون و در حاشیه نامه وی به خط خود چنین نوشت:

«من در امثال امر شما این (ولایتعهدی) را می‌پذیرم؛ گرچه جفر و جامعه بر ضد مضمون آن حکم می‌کند»<sup>۱</sup> و گواهایی بر مضمون این نامه‌ها گواهی دادند.<sup>۲</sup> این نامه‌ها را بزرگانی چون میرسید علی بن محمد بن علی حنفی استرآبادی در گذشته ۸۱۶ ق و طاش کبری زاده ملا احمد بن مصطفی (۲/۴۲۰ و ۴۲۱) در گذشته ۹۶۲ ق در کتابهای خود آورده‌اند.

از آنچه گزارش گردید مشخص می‌شود که تردیدی در وجود این کتاب در نزد امامان (ع) وجود ندارد؛ پس نقل هر يك از امامان از رسول اکرم (ص) نیازی به سلسله سند ندارد و توصیف روایات امامان (ع) به مرسل<sup>۳</sup> پذیرفتنی نیست؛ زیرا واسطه‌ای میان آنها و جامعه وجود نداشته است. به همین دلیل امام صادق (ع) که همه رجالیان، ایشان را توثیق کرده‌اند، می‌فرماید: حدیث من، حدیث پدرم و حدیث پدرم، حدیث جدم، و حدیث جدم حدیث حسین (ع) و حدیث حسین (ع) حدیث

۱. برای آگاهی از متن کامل نامه مأمون و پاسخ امام رضا (ع) ر.ک: بحارالانوار، ج ۴۹، ص ۱۴۸ تا ۱۵۳.  
 ۲. این گواهان عبارتند از: فضل بن سهل - سهل بن فضل - یحیی بن اکتام - عبدالله بن طاهر و بحارالانوار، ج ۴۹، ص ۱۵۳.  
 ۳. مرسل حدیثی است که خود راوی حدیث را از پیغمبر نشنیده و بدون وساطت صحابی از معصوم نقل کند. ر.ک: کاظم مدیر شانه‌چی؛ درایه الحدیث، ص ۸۰.

حسن(ع) و حدیث حسن(ع) حدیث امیر مومنان علی(ع) و حدیث علی(ع) حدیث پیامبر(ص) است. (کلینی، ۵۳/۱ و شیخ مفید، ۲۵۷).

بنابراین اگر امام حدیثی را بدون اسناد به نبی اکرم (ص) بیان کند، آن حدیث توصیف به ارسال نمی‌گردد؛ زیرا در عدالت امام صادق و دیگر ائمه(ع)، هم اهل سنت و هم اهل شیعه اتفاق نظر دارند. از سوی دیگر همان گونه که بیشتر گزارش گردید، وجود کتاب جامعه نزد امام صادق(ع) و دیگر ائمه(ع) قطعی است؛ در نتیجه هر سه شکل نقل حدیث یعنی: (۱) امام(ع) از پدرشان (۲) بیان با توجه به جامعه (۳) بدون استناد به پیامبر اکرم (ص)، قابل قبول است. حدیث امامان(ع) نیز نه تنها به ارسال توصیف نمی‌شود، بلکه درخور توصیف به سلسله‌الذهب است؛ چرا که از طریق روایانی نقل شده است که در نظر شیعیان معصوم و در نظر اهل سنت همگی عادل و موثق‌اند.

#### منابع و مأخذ

- ابن بابویه (شیخ مفید)، محمد بن علی، خصال، مکتبه الصدوق، تهران، ۱۳۵۰ ش.
- \_\_\_\_\_، عقاب الاعمال، مکتبه الصدوق، تهران.
- \_\_\_\_\_؛ علل الشرایع، مکتبه حیدری، نجف، ۱۳۵۸ ق.
- \_\_\_\_\_؛ معانی الاخبار، به تصحیح علی‌اکبر غفاری، انتشارات جامعه مدرسین، قم، ۱۳۷۹ ق.
- ابن حنبل، احمد؛ المسند، به تحقیق احمد شاکر، دارالمعارف، مصر، ۱۴۰۴ ق.
- ابن منظور، محمد؛ لسان العرب، چاپ اول، بیروت، دارصادر.
- بخاری، محمد بن اسماعیل؛ صحیح، دارالقلم، بیروت، ۱۴۰۷ ق.
- بروجردی، آیه‌الله سیدحسین؛ جامع احادیث الشیعه، مطبعه مهر، قم، ۱۴۱۰ ق.
- جندی، عبدالحلیم؛ الامام الصادق، المجلس الاعلمی للشئون الاسلامی، مصر، ۱۳۹۷ ق.
- ذهبی، محمدحسین؛ التفسیر و المفسرون، چاپ دوم، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۳۹۶ ق.
- شافعی، محمد بن ادیس؛ اختلاف الحدیث، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۰۶ ق.
- صفار، محمد بن الحسن؛ بصائر الدرجات، موسسه اعلمی، تهران، ۱۳۶۲ ش.
- طاش کبری زاده، احمد بن مصطفی؛ مفتاح السعاده و مصباح السیاده.
- طوسی، محمد بن حسن؛ الاستبصار فیما اختلف من الاخبار، دارالاضواء، بیروت، ۱۴۰۶ ق.

- طوسی، محمدبن حسن؛ الغیبه، مطبعه نعمان، نجف، ۱۳۸۴ق.
- عاملی، محمدبن حسن؛ تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، کتابفروشی اسلامیة، تهران، ۱۳۶۷ش.
- عسکری، سید مرتضی؛ معالم المدرستین، نشر رایزن، تهران، ۱۳۵۷ش.
- غفاری، علی اکبر؛ تلخیص مقیاس الهدایه، نشر صدوق تهران، ۱۳۶۹ش.
- فیض کاشانی، محمدبن مرتضی؛ علم الیقین، انتشارات بیدار، قم، ۱۳۵۸ش.
- \_\_\_\_\_؛ الوافی، مکتبه الامام امیرالمومنین علی (ع)، اصفهان.
- کلینی، محمدبن یعقوب؛ الکافی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۶۳ش.
- مجلسی، محمدباقر؛ بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار الائمه الاطهار، چاپ دوم، موسسه الوفاء بیروت، ۱۴۰۳ق.
- معارف، مجید؛ پژوهشی پیرامون تاریخ حدیث شیعه، موسسه فرهنگی و هنری ضریح، تهران، ۱۳۷۴ش.
- مفید، محمدبن نعمان؛ الارشاد، موسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت، ۱۴۱۰ش.